

بازشناسی فقهی تربیت جنسی و مطابقت آن با سند ۲۰۳۰^۱

علمی - پژوهشی

دکتر سید علی پور منوچهری *

هادی آبان‌گاه ازگمی **

چکیده

تربیت جنسی مجموعه‌ای از اقدامات تربیتی شامل آموزش آداب، هدایت، مراقبت و به‌کارگیری روش‌های درستی است که موجبات رشد غریزه جنسی انسان را جهت تعالی وی فراهم می‌نماید تا فرد بتواند قدردان وجود خود باشد و آداب لازم را جهت روابط درست با جنس موافق و مخالف خود فراگیرد و از نظر اسلامی نیز تربیت جنسی به‌کارگیری شیوه‌هایی مبتنی بر الزامات فقهی جهت ایجاد رفتارهای جنسی سالم است به‌گونه‌ای که انسان، حکم و جوب و حرمت را در مسائل جنسی تشخیص داده و عفت، خلق و خوی او باشد. این تعریف از جهت احکام فقهی و جوب، حرمت و کراهت مستنداتی مانند آیات ۵ سوره مومنون و آیات ۳۳، ۵۸ و ۵۹ سوره نور و ادله روایی محکم از معصومین (ع) را در باب رعایت حریم خصوصی، حفظ حیا و جدا نمودن بستر در کودکی و... دارد و از نظر عقلی نیز دارای پشتوانه‌ای سدید است چرا که به استناد قاعده ملازمه آنچه عقل قبیح می‌شمارد شرع نیز حرام و قبیح می‌داند. لذا نظاره و یا اقدام بر آنچه حرام شرعی و به ضرر انسان است توسط عقل سلیم نیز تایید نمی‌گردد. به همین دلیل در این جستار به تربیت جنسی و نه آموزش آن به جهت ارتباط تنگاتنگ آن با ارتکاب گناه پرداخته شده و به تعدیل و هدایت آن در مسیر صواب و تاکید بر خویشتن بانی و آگاه‌سازی از پیامدهای ناگوار آموزش جنسی بر پایه مستندات آن پرداخته شده و در عین حال با سند ۲۰۳۰ که برخلاف فقه اسلامی، تاکید بر آموزش جنسی از کودکی و آزادی روابط حتی با جنس موافق دارد در مقام مقایسه و تطبیق قرار گرفته است.

کلیدواژگان: تربیت، تربیت جنسی، الزامات شرعی، فقه اسلامی، سند ۲۰۳۰

۱- تاریخ وصول: ۱۳۹۸/۰۷/۱۱ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۱۰/۲۸

* استادیار گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران (نویسنده مسؤول)

ali_poormanuchehri@yahoo.com

**دانشجوی دکترا رشته فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

yasobuhyaghodus12@yahoo.com

۱- مقدمه

دقت در متون دینی حاکی از این است که در زمینه تربیت جنسی از هیچ نکته ای فروگذار نشده است. به گونه‌ای که مطالب اسلامی در این زمینه به حق یک نظام جنسی را تشکیل می‌دهد. باید اذعان کرد که در میان گستره امر تربیت، تربیت جنسی از مهم‌ترین مباحث تربیتی است که با توجه به معضلات امروزی آن، مذاقه این امر بسیار مبرز جلوه می‌کند. تردیدی نیست که یکی از مهم‌ترین وظایف مسئولان، والدین و مربیان آموزشی، تربیت انسانها از جمله فرزندان و دانش آموزان برای داشتن زندگی سالم در جامعه است. در این بین آنچه در این برهه زمانی به حساسیت این موضوع می‌افزاید بحث سند جدیدالطرح ۲۰۳۰ و قسمت‌های مربوط به آموزش جنسی و تساوی جنسیتی مذکور در سند و در تقابل با بحث تربیت جنسی مورد تایید اسلام است که با ورود آن به چرخه افکار توسط فضای مجازی و تبلیغات ناصواب که در این باره بیان می‌شود، سبب تشنّت فکری می‌گردد و به نوعی تبلیغ آزادی روابط نامشروع و دوستی با جنس مخالف را دنبال می‌کند. لذا در این مقاله در پی آنیم که از سویی با حفظ الزامات فقهی تربیت جنسی و از سویی دیگر با فهم دقیق سند، چالش‌ها و خطراتی که در این همگان را تهدید می‌کند را مورد مذاقه قرار داده و راه‌کارهایی منطقی جهت حل این مسأله بیان کنیم و به سوال اصلی تحقیق بپردازیم که الزامات فقهی تربیت جنسی کدام بوده و چه نسبتی با سند دارد و بعد آن بدانیم که بر چه ادله‌ای استوار است و در ضمن امتیازات و اشتراکات آن با سند چیست؟

۲- تربیت در لغت و اصطلاح

تربیت کلمه عربی از ریشه «ربا - یربو» و به معنای نشأت و رشد است. در کتاب «المنجد» چنین آمده است: «تُرْبِي الوالد: ای هَدْبَه» یعنی او را پاک و پاکیزه گردانیده و از دیدگاه برخی دیگر، معنای آن زیادت و نمو است. (معلوف، ۱۳۸۴، ص ۲۴۷) روی این اساس، تربیت به معنای رشد و نمو دادن خواهد بود. این واژه در زبان فارسی در معانی گوناگون چون «پروردن»، «آداب و اخلاق را به کسی» «آموختن» و در زبان عربی به معانی متعددی چون «حضانة»، «اصلاح»، «تدبیر» و... به کار رفته است (شکوهی، ۱۳۸۹، ص ۲۵).

در معنای اصطلاحی تربیت گفته‌اند: «تربیت فعالیتی منظم و مستمر است در جهت کمک به

رشد جسمانی، اخلاقی، اجتماعی متربی به گونه‌ای که نتیجه آن در شخصیت و رفتارهای او ظاهر شود.» (حاجی ده‌آبادی، ۱۳۹۷، ص ۱۲) بعضی دیگر گفته‌اند: «تربیت امری طبیعی و عملی است که روی افراد اعمال می‌شود.» (میلااره، ۱۳۷۵، ص ۳۶) در «جواهر» وجوب حضانت ملتقط به معنای قیام به سرپرستی کودک براساس مصالح او آمده است: در «جواهر الکلام» آمده که اقل تربیت، «حضانت» است و حدّ اعلاّی آن «تربیت» (نجفی، ۱۴۱۳، ج ۳۸، ص ۱۷۴) از مجموع آنچه آمد می‌توان به تعریف جامعی رسید و گفت: «تربیت عبارت است از فعالیت‌های هدفمند و دو سویه میان مربّی و متربی به منظور کمک به متربی در راستای تحقق بخشیدن به قابلیت‌های وی و پرورش شخصیت او در جنبه‌های گوناگون» (همت بناری، ۱۳۸۳، ص ۶۹).

۳- کارکرد فقه اسلامی در تربیت (مسئولیت فقیه)

کارکرد اصلی فقه در تربیت، «تعیین حکم شرعی» در فرآیند «تربیت» است. تربیت، همواره با عمل، فعالیت و اقدام مربّی همراه است. از آن‌جا که هر رفتار اختیاری، الزاما به یکی از احکام پنج-گانه یا احکام وضعی متصف می‌گردد، در نتیجه «فقه»، عهده‌دار تعیین حکم شرعی برای اقدامات مربّی و رفتارهای متربی خواهد بود. یکی از انواع آموزش‌ها که در غرب از آموزش‌های ضروری به حساب می‌آید، آموزش جنسی است. اما باید گفت این نوع آموزش‌ها و کم و کیف آن در چهارچوب دین، دارای حکم شرعی بوده و تعیین آن نیازمند بررسی فقیهانه در منابع دینی است. بی‌تردید برای کسی که در پی تطبیق رفتارهای خود بر خواسته‌های شارع حکیم است، دانستن احکام لازم است. در این میان امر قابل توجه، «تخصّص فقیه» در وادی «تعلیم و تربیت» است. فقیه باید بر همه جوانب مسأله آگاه باشد و موضوع حکم را به روشنی بشناسد و با «ریسمان تربیت» مسائلی که قبلا وجود داشته و یا به اقتضای دنیای پیچیده امروز ایجاد می‌شوند و محتاج آن هستند که بر دین خدا عرضه شوند و تکلیف آن‌ها روشن شود را از میان ادلّه اربعه جمع کرده و به هم پیوند زده و مسائل حادث را بر اصول و ادلّه پیشین عرضه کند و حکم آن‌ها را مشخص کند (اعراف، ۱۳۸۸، ص ۱۳۹).

۴- تربیت جنسی در اصطلاح علمی و اسلامی

تربیت جنسی را به صورت‌های گوناگون ترجمه کرده‌اند. گروهی معتقدند که تربیت جنسی انتقال اطلاعات درباره مسائل جنسی است. برخی دیگر تربیت جنسی را فراهم نمودن زمینه رشد غریزه جنسی به گونه‌ای می‌دانند که همراه با استفاده لازم از این غریزه مانع از انحرافات جنسی بیشتری

می‌شود. در بیان مفهوم تربیت جنسی باید گفت: «مجموعه‌ای از اقدامات تربیتی شامل آموزش آداب، ضوابط، هدایت، مراقبت و به کارگیری روش‌های درستی است که موجبات رشد غریزه جنسی در جهت تعالی شخصیت جنسی کودک را فراهم نماید تا بتواند از این غریزه به نحو مطلوب استفاده کند.» (دفریتاس، ۱۳۹۸، ص ۵۹) بنابراین منظور از تربیت جنسی یعنی این که نوجوان به گونه‌ای پرورده شود که با جنسیت خود آشنا گردد، قردان وجود خویش باشد، نقش مذکر یا مونث بودن از لحاظ اجتماعی را یاد بگیرد و احکام و آداب دینی در ارتباط با مسائل جنسی مربوط به خود و روابط با همجنس و جنس مخالف را فراگیرد و آمادگی روانی برای ازدواج را پیدا کند و به گونه‌ای توانمند شود تا عواطف و فعالیت‌های جنسی خویش را در جهت قرب الی الله بکار گیرد (فقیهی، ۱۳۹۳، ص ۲۰).

مقصود از تربیت جنسی اسلامی این است که فرد را به گونه‌ای تربیت کنیم که وقتی به بلوغ رسید، حلال و حرام را در مسائل جنسی تشخیص دهد، به وظایف زناشویی آگاه باشد، از بی‌بندوباری پرهیزد و راه و رسم عفت اسلامی خلق و خوی او باشد. به تعبیری دیگر تربیت جنسی یعنی بکارگیری شیوه‌هایی مبتنی بر الزامات فقهی برای ایجاد رفتارهای جنسی سالم و زدودن رفتارهای جنسی ناسالم در انسان (امینی و همکاران، ۱۳۸۵، ص ۱۶۹-۲۰۲).

۵- ادله فقهی تربیت جنسی

دلایل فقهی که در باب تربیت جنسی اقامه می‌شود در سه بخش آیات، روایات و عقل مطرح است:

الف: قرآن

کتاب قرآن که کامل‌ترین راهنمای زندگی بشر است در کنار پرداختن به ابعاد مختلف تربیت انسان، به امر خطیر تربیت جنسی نیز با دقت و وسواس پرداخته و احکام و الزامات شرعی آن را تبیین نموده است. به طوری که در بسیاری از موارد به صورت حکم کلی می‌توان آن را مستفاد کرد. اما به طور اخص در آیات ۵ سوره «مومنون» و آیات ۳۳، ۵۸ و ۵۹ سوره «نور» به این مساله اشاره کرده است و جهت استدلال از کلام معصومین (ع) نیز بهره لازم گرفته شده است. حال بررسی آیات:

« وَالَّذِينَ هُمْ لِفُرُوجِهِمْ حَافِظُونَ » : و آنان که دامان خود را حفظ می‌کنند و

پاکدامنی می‌ورزند.

• تفسیر آیه

طبق آیات این سوره پاکدامن بودن چهارمین ویژگی مومنان است. اهل ایمان، حدود و الزام شرعی را در ارضاء شهوت جنسی رعایت می‌کنند و مرتکب فعل زنا نمی‌گردند چرا که حیاء شرط ایمان است و آلودگی جنسی نشانه ضعف ایمان است و شهوت طاغی است و به کنترل نیاز دارد (حافظون). دین مبین اسلام روابط جنسی را ممنوع نکرده است ولی برای حفظ شأنیت انسانی و تکامل، انسان را ملزم نموده است تا در امور زندگی خود ارتباط سالم را رعایت نماید و با تأسی از الزامات فقهی، راه درست در امور جنسی را انتخاب کند و از راه شرعی این میل مقدس را ارضاء نماید. بنابراین کسی که دارای ایمان قوی باشد در سخت‌ترین شرایط بر هوای نفس خود غلبه کرده و فریب شیطان را نمی‌خورد، همیشه مراقب بوده و مصداق **لِفُرُوجِهِمْ حَافِظُونَ** است. (قرآنی، ۱۳۷۴، ص ۱۲۵). نکته مهم دیگر این که در این آیه، دستوری که از فحواى آن بدست می‌آید صرفاً دستور به پاکدامنی زنان نیست و مردان نیز به پاکدامنی امر شده‌اند. در ضمن پاکدامنی در آیه شریفه را می‌توان هم به پاکدامنی حفظ فروج در جمع دانست و هم در خلوت تا مرتکب فعل حرام نشد (حسن زاده آملی، ۱۳۶۵، ص ۲۳۶).

۲-۵-سوره نور آیه ۳۳

« وَ لَيْسَتَعْفِ الَّذِينَ لَا يَجِدُونَ نِكَاحًا حَتَّى يُغْنِيَهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ وَالَّذِينَ يَبْتَغُونَ الْكِتَابَ مِمَّا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ فَكَاتِبُوهُمْ إِنْ عَلِمْتُمْ فِيهِمْ خَيْرًا وَ اتَّوَهُمْ مِنْ مَالِ اللَّهِ الَّذِي آتَيْكُمْ وَ لَا تُكْرِهُوا فَتَاتِكُمْ عَلَى الْبِغَاءِ إِنْ أَرَدْنَ تَحَصُّنًا لِيَبْتِغُوا عَرَضَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَ مَنْ يُكْرِهْنَهُنَّ فَإِنَّ اللَّهَ مِنْ بَعْدِ إِكْرَاهِهِنَّ غَفُورٌ رَحِيمٌ »

« و آنان که وسیله نکاح نیابند باید عفت پیشه کنند تا خدا آن‌ها را به لطف خود بی‌نیاز گرداند و از بزرگانتان آنانکه تقاضای مکاتبه کنند تقاضای آنان را اگر خیر و صلاحی در ایشان مشاهده می‌کنید بپذیرید و از مال خدا که به شما اعطاء فرموده (بعنوان زکات و صدقات در وجه‌المال مکاتبه) به آن‌ها بدهید و کنیزکان خود که مایل به عفتند برای طمع مال دنیا و از روی اجبار مبادا به زنا وادار کنید که

هر کس آن‌ها را اکراه به زنا کند خداوند در حق آنان که مجبور بودند آمرزنده و مهربان است.»

تفسیر آیه

ابتدا باید هر کس را سفارش به ازدواج کرد. سپس به غیر متاهلان سفارش عفت نمود. چنان‌که در روایت آمده است در جاهلیت کنیزان را برای کسب درآمد به زنا و فحشا وادار می‌کردند. لذا خداوند می‌فرماید: « بجای آن‌که کنیزان را به گناه وادار کنید زمینه ازدواج آنان را فراهم سازید. » موید این تفسیر حدیث ذیل است :

الصادق (ع) : « عَنْ معاوية بن وهب عن أبي عبد الله (في قول الله عزوجل وليستعفف الذين لا يجدون نكاحا حتى يُغنيهم الله من فضله) امام صادق (ع) در ذیل این آیه فرمودند : ازدواج کنند تا خداوند آن‌ها را از فضل خویش بی‌نیاز گرداند. » (برازش، ۱۳۹۴، ج ۱۰، ص ۲۳۶ و کلینی، ۱۳۹۱، ج ۵، ص ۳۳۱ و حرّ عاملی، ۱۴۰۳، ج ۲، ص ۴۳ و ابی‌جمهور، ۱۴۰۳، ص ۲۸۱).

بنابراین کسانی که قدرت مالی برای ازدواج ندارند باید (الزام شرعی - حکم شرعی و جوب) نفس خود را حفظ کرده و عفاف بورزند و از زنا احتراز بجویند تا زمانی‌که خدا آنان را توانگر نموده و راه‌های ازدواج را برای ایشان آسان نماید. همچنین اگر مالکی کنیز خود را علی‌رغم اکراه و عدم تمایلیش وادار به این عمل نماید خداوند نسبت به آن کنیز آمرزنده و مهربان است و او را به سبب این عمل مواخذه نمی‌نماید (بخاری، بی تا).

۳-۵- سوره نور آیات ۵۸ و ۵۹

« يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لِيَسْتَأْذِنَكُمْ الَّذِينَ مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ وَ الَّذِينَ لَمْ يَبْلُغُوا الْحُلُمَ مِنْكُمْ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ مِنْ قَبْلِ صَلَاةِ الْفَجْرِ وَ حِينَ تَضَعُونَ ثِيَابَكُمْ مِنَ الظَّهْرِ وَ مِنْ بَعْدِ صَلَاةِ الْعِشَاءِ ثَلَاثَ عَوْرَاتٍ لَكُمْ لَيْسَ عَلَيْكُمْ وَ لَا عَلَيْهِمْ جُنَاحٌ بَعْدَهُنَّ طَوَّافُونَ عَلَيْكُمْ بَعْضُكُمْ عَلَى بَعْضٍ كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ الْآيَاتِ وَ اللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ » ۵۸

« ای کسانی که ایمان آورده‌اید بدانید که بندگان ملکی شما و اطفال شما که هنوز به وقت احتلام و زمان بلوغ فرا نرسیده‌اند باید شبانه روز سه مرتبه از شما اجازه ورود بخواهند : یک بار پیش از نماز صبح و دیگر هنگام ظهر که جامه‌ها را از تن برمی‌گیرید و دیگر پس از نماز خفتن که این سه

وقت هنگام عورت و خلوت شماسست (اکثر برهنه یا در لباس کوتاهید) و بعد از این سه بار اجازه، باکی بر شما و آنان نیست که بی‌اجازه و دستور با بندگان و اطفال خود گرد یکدیگر جمع شوید و هر ساعت در کارها به شما مراجعه کنند. خدا آیات را برای شما چنین روشن بیان می‌کند و خدا به کار بندگان دانا و به مصالح خلق آگاه است.»

« وَ إِذَا بَلَغَ الْأَطْفَالُ مِنْكُمُ الْحُلُمَ فَلْيَسْتَأْذِنُوا كَمَا اسْتَأْذَنَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ آيَاتِهِ وَ اللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ » ۵۹

«و آن‌گاه که کودکان شما به حد بلوغ و احتلام رسیدند باید مانند سایر بالغان البته با اجازه وارد شوند. خدا آیات خود را برای شما به روشنی بیان می‌کند که او به صلاح بندگان آگاه و داناست.»

تفسیر آیات

دو آیه مورد بحث بویژه آیه ۵۸ به امری مهم پرداخته و آن مساله اذن گرفتن کودکان به هنگام ورود به اتاق‌هایی است که مردان و همسرانشان ممکن است در آن خلوت کرده باشند. باید اذعان نمود که برای ریشه‌کن کردن یک مفسده اجتماعی باید مجموعه‌ای ترتیب داد از آموزش فرهنگی آمیخته با آداب اخلاقی و عاطفی و آموزش‌های صحیح اسلامی و ایجاد یک محیط اجتماعی سالم و سپس مجازات را به عنوان یک عامل در کنار این عوامل در نظر گرفت. به همین دلیل در این سوره درباره احکام زنا صحبت شده و درباره تحریم متهم ساختن افراد به آلودگی ناموسی و فراهم نمودن امکان ازدواج و همچنین درباره احکام ورود و خروج و دستور شرعی به خودداری از نگاه به نامحرم و نشان ندادن زینت‌ها توسط بانوان و پایکوبی نکردن و امر به ازدواج و نترسیدن از فقر و حفظ حیا و عفت و کسب اجازه جهت ورود به استراحتگاه والدین در سه وقت و... همه و همه در کنار یکدیگر پرداخته شده است که در واقع، ویتیرینی زیبا از آداب اسلامی است. آری تمامی الزامات شرعی برای هدایت و تربیت جنسی و جلوگیری از فحشا و حفظ حریم و حیا و آبرو است (مکارم شیرازی، ۱۳۵۳، ص ۴۵۹).

تفسیر آیه ۵۸ از کلام معصومین (ع)

زراره از امام صادق (ع) نقل می‌کند « عَنْ زَرَّارَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ فِي قَوْلِ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ الَّذِينَ مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ قَالَ هِيَ خَاصَّةٌ فِي الرِّجَالِ دُونَ النِّسَاءِ قُلْتُ فَالنِّسَاءُ يَسْتَأْذِنَنَّ فِي

هَذَا الثَّلَاثِ سَاعَاتٍ قَالَ لَا وَلَكِنْ يَدْخُلْنَ وَيَخْرُجْنَ وَالَّذِينَ لَمْ يَبْلُغُوا الْحُلُمَ مِنْكُمْ قَالَ
مِنْ أَنْفُسِكُمْ قَالَ عَلَيْكُمْ اسْتِئْذَانٌ كَاسْتِئْذَانِ مَنْ قَدْ بَلَغَ فِي هَذَا الثَّلَاثِ سَاعَاتٍ»

« درباره آیه الَّذِينَ مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ فرموده است این آیه اشاره به مردان دارد نه زنان. گفتیم آیا زنان هم باید در این سه موقع اجازه بگیرند؟ فرمودند نه بلکه داخل شوند و بیرون روند. و درباره وَالَّذِينَ لَمْ يَبْلُغُوا الْحُلُمَ مِنْكُمْ فرمود کسانی از خودتان که به سن بلوغ نرسیده‌اند باید مانند کسانی که به سن بلوغ رسیده‌اند در این سه وقت اجازه ورود بگیرند» (کلینی، ۱۳۹۱، ج ۵، ص ۵۲۹ و حر عاملی، ۱۴۰۳، ج ۲۰، ص ۲۱۸).

فضیل‌بن یسار از امام صادق (ع) نقل می‌کند که درباره سخن خداوند سوال شد: « فِی قَوْلِ
اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لِيَسْتَأْذِنَكُمْ الَّذِينَ مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ وَالَّذِينَ لَمْ يَبْلُغُوا
الْحُلُمَ مِنْكُمْ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ قِيلَ مِنْ هُمْ فَقَالَ هُمُ الْمَلُوكُونَ مِنَ الرِّجَالِ وَالنِّسَاءِ وَ
الصِّبْيَانِ الَّذِينَ لَمْ يَبْلُغُوا يَسْتَأْذِنُونَ عَلَيْكُمْ عِنْدَ هَذِهِ الثَّلَاثِ الْعَوْرَاتِ مِنْ بَعْدِ صَلَاةِ
العِشَاءِ وَ هِيَ الْعَتَمَةُ وَ حِينَ تَضَعُونَ ثِيَابَكُمْ مِنَ الظَّهِيرَةِ وَ مِنْ قَبْلِ صَلَاةِ الْفَجْرِ وَ
يَدْخُلُ مَمْلُوكُكُمْ وَ غِلْمَانُكُمْ مِنْ بَعْدِ هَذِهِ الثَّلَاثِ عَوْرَاتٍ بِغَيْرِ إِذْنٍ إِنْ شَاءُوا» آن حضرت
فرمود: « مردان، زنان برده و کودکانی که به سن بلوغ نرسیده‌اند هنگام عورت در سر وقت باید برای
ورود اجازه بگیرند و بعد از عشاء که ثلث اول شب است هنگامی که لباس از تن درمی‌آورد و قبل از
نماز صبح و اگر خواستند در غیر این اوقات می‌توانند بدون اجازه وارد شوند.» (طبرسی، ۱۳۸۵، ص
۱۹۵).

ب: روایات

۶ - ادله روایی به همراه آراء فقها

در کلام امامان معصوم (ع) اهمیت تربیت جنسی صراحتاً مورد مذاقه قرار گرفته است. به غیر از آنچه در گفتار ایشان در ذیل آیات مربوط به تربیت جنسی ذکر شد، در کتب فقهی و حدیثی، موارد بسیاری از سفارشات ایشان به چشم می‌خورد که همگی گویای اهمیت بحث تربیت جنسی است و اتفاق نظر فقها و حکم عقل را به دنبال خود یدک می‌کشد و مبین ملازمه عقل و شرع است. در اینجا به برخی از این روایات اشاره می‌کنیم:

• دوری از آمیزش در نزد کودک

یکی از مهم‌ترین مواردی که عدم توجه به آن نتیجه‌ای را در زندگی کودک می‌آفریند که ممکن است تا آخر عمر آسیب‌های آن و گناهی که حاصل این امر است گریبان‌گیر فرزند شود، آمیزش در نزد کودک است. امام صادق (ع) در روایتی از پیامبر عظیم‌الشأن اسلام این‌گونه نقل می‌فرماید که: «سوگند به کسی که جانم در دست قدرت اوست اگر کسی با همسرش در آمیزد و در اتاق کودکی بیدار باشد که آنان را ببیند و سخن گفتن و صدای نفس ایشان را بشنود هرگز رستگار نمی‌شود. اگر پسر باشد مردی زناکار و اگر دختر باشد زنی زناکار می‌شود.» (کلینی، ۱۳۹۱، ج ۵، ص ۵۰۰).

• جدا نمودن بستر در کودکی

در این بخش روایاتی برای سنین مختلف بیان شده است ولی آنچه مربوط به دوران کودکی است روایتی از پیامبر اکرم (ص) در کتاب عامه بیان شده است و در آن سفارش می‌کنند که بستر کودکان باید از سن هفت سالگی از دیگران جدا شود (حاکم نیشابوری، ج ۱، ص ۳۱۷ و دارقطنی، ج ۱، ص ۲۳۰).

۷- دلیل عقلی و روایی

از آن جایی که با هم خوابیدن، ممکن است باعث تماس بدنی آن‌ها با یکدیگر و شاید تحریک حس کنجکاوی آن‌ها شود، لذا طبق اصل عقلی لزوم علاج واقعه قبل از وقوع، پیش از آگاه شدن کودکان به لذت‌های جنسی، باید رخت خواب آن‌ها جدا گردد. قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص): «الصَّبِيُّ وَالصَّبِيَّةُ وَالصَّبِيَّةُ وَالصَّبِيَّةُ وَالصَّبِيُّ وَالصَّبِيَّةُ يُفَرِّقُ بَيْنَهُمْ فِي الْمَضَاجِعِ» پیامبر (ص) فرمودند: رخت‌خواب کودکان ده ساله، چه پسر با پسر، یا دختر با پسر، یا دختر با دختر باشد، باید از هم جدا باشد» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۱۰۱، ص ۹۶).

قال علی (ع): «أَنَّهُ يُفَرِّقُ بَيْنَ الصَّبْيَانِ فِي الْمَضَاجِعِ لِسِتِّ سِنِينَ»: رخت‌خواب بچه‌های شش ساله را از هم جدا کنید. (حرعاملی، ۱۴۰۳، ج ۲۱، ص ۴۶).

قال النَّبِيُّ (ص) «فَرَّقُوا بَيْنَ أَوْلَادِكُمْ فِي الْمَضَاجِعِ إِذَا بَلَغُوا سِتَّةَ سِنِينَ»: وقتی

فرزندان هفت ساله شدند رخت‌خواب آن‌ها را جدا کنید (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۱۰۱، ص ۹۷).

جلوگیری از تماس بدنی با کودک

از مسائل بسار مهمی که به والدین برمی‌گردد، جلوگیری از تماس بدنی با کودک است. گاهی اوقات مادر یا افراد دیگری با آلت جنسی کودک بازی می‌کنند، کودک درحالی که آرام می‌گیرد، عادت به آن می‌کند؛ اگر کسی با او این کار نکند، خودش مبادرت به استمناء می‌نماید. **قال علی (ع) : « مُبَاشِرَةُ الْمَرْأَةِ ابْتَهَا إِذَا بَلَغَتْ سِتَّ سِنِينَ شَعْبَةٌ مِنَ الزَّوْنِ »** : وقتی زن آلت پسرش را دستمالی کند درحالی که او شش ساله شده است، نوعی زنا انجام شده است (صدوق، ۱۳۶۳، ج ۳، ص ۴۳۷).

• رعایت حریم در بوسیدن کودک

علی‌رغم این که در اسلام به محبت کردن، نوازش کردن و بوسیدن بچه‌ها سفارش شده، اما این رفتار، پس از سن معین، از سوی افراد نا محرم منع می‌شود. در حدیث آمده :

« أَحْمَدُ الْكَاهِلِيُّ وَ أَظُنِّي قَدْ حَضَرْتُهُ قَالَ سَأَلْتُهُ عَنْ جَوِيرِيهِ لَيْسَ بِنِي وَ بَيْنَهَا مَحْرَمٌ تَعَشَانِي فَأَحْمَلَهَا فَأَقْبَلَهَا فَقَالَ إِذَا أَتَى عَلَيْهَا سِتُّ سِنِينَ فَلَا تَضَعَهَا عَلَيَّ حَجْرِكُ » : « احمد کاهلی از امام صادق (ع) پرسید: دختر بچه نامحرمی، خود را در آغوش من می‌اندازد و من او را بلند می‌کنم و می‌بوسم، حکمش چیست؟ امام (ع) پاسخ دادند: اگر دختر شش ساله شد، او را روی پای خود نشان» (کلینی، ۱۳۹۱، ج ۵، ص ۵۳۳).

آنچه در این میان لازم است انجام شود تربیت کودک برای این امر است که باید نسبت به بدن خودش احساس مالکیت کند؛ به گونه‌ای که لازم نباشد خانواده، دیگران را از بوسیدن او منع کنند. این امر لازمه تربیت کودک و توجه او به مالکیت بدن خود است؛ مالکیتی که او باید در تربیت جنسی با کمک دیگران بدان برسد.

علی‌بن‌عقبه یکی از یاران اهل بیت (ع) نقل می‌کند که امام کاظم (ع) نزد محمدبن ابراهیم فرماندار مکه و همسر فاطمه دختر امام (ع) بود. محمد دختری داشت که لباس زیبا بر او می‌پوشاندند و نزد مردان می‌آمد و مردان او را گرفته و به آغوش می‌کشیدند. هنگامی که به امام کاظم (ع) رسید ایشان در حالی که دستان خود را کشیده بود او را از این که به آغوشش درآید نگه داشت و فرمود: «

وقتی دختر به شش سالگی رسید جایز نیست مردی که محرم او نیست او را ببوسد
 «(طوسی، ۱۴۱۲، ص ۴۶۱ و حرّ عاملی، ۱۴۰۳، ج ۱۴، ص ۱۷۰).

• جلوگیری از دیدن اندام جنسی

دسته‌ای از روایات، خانواده‌ها را از نگاه کردن به شرمگاه فرزند نهی کرده‌اند. در روایتی از امام صادق (ع) به نقل از پیامبر اکرم (ص) این‌گونه نقل شده است که فرمودند: «**برای والدین** شایسته نیست که به شرمگاه فرزند خود نگاه کنند و برای فرزند روا نیست که به شرمگاه پدر خود نگاه کند.» (کلینی، ۱۳۹۱، ج ۶، ص ۵۰۳). در کتاب المستدک علی‌الصحیحین آمده است که در خردسالی مرا خدمت رسول خدا (ص) بردند. پاره لباسی بر تنم بود و عورتم آشکار شد. فرمودند: «**حریم عورتش را بپوشانید که حرمت عورت کودک همانند حرمت عورت بزرگسال است و خداوند به آشکار کننده عورت نگاه نمی کند** (حاکم نیشابوری، بی تا، ج ۳، ص ۲۸۸).

۸- رعایت حریم خصوصی (بحث عقلی)

نحوه رفتار جنسی بین زوجین از مصادیق حریم خصوصی جنسی خانواده به شمار می‌آید که در آیات مذکور بیان گردید و دیگر اعضای خانواده را ملزم به حفظ حرمت فضای مربوط به مناسبات زناشویی می‌کند و سفارش می‌کند که از نظاره و ورود بدون اجازه به آن اجتناب کنند. صاحب جواهر در باب حفظ حریم شخصی و کسب اجازه در ورود به اتاق والدین می‌فرماید: «لزوم اذن در اوقات سه گانه اختصاص به اطفال دارد. لذا به مجرد این‌که طفل از طفولیت خارج گردد و بالغ شود باید در تمامی اوقات مانند افراد بزرگسال اذن بگیرد و لزوم اذن در تمامی اوقات از اموری است که مردم از آن غفلت دارند.» (نجفی، ۱۳۹۴، ج ۲۶، ص ۲۴) ایشان رعایت حریم را بر همه افراد خانواده واجب می‌دانند و به وجوب استیذان تصریح دارند و معتقدند که آیه مورد بحث بر ایجاب دلالت دارد و از اطلاق نهی در آیه ۲۷ همین سوره نیز بر وجوب استیذان استظهار می‌نمایند.

ج- دلیل عقل

در این میان نمی‌توان از پشتوانه سدید عقل چشم پوشی نمود. زیرا نظاره نکردن آنچه حرام است و مرتکب نشدن فعلی که در شریعت حکم بر نهی و حرمت آن شده است و عدم ورود به مکانی که بدون اذن ممکن نیست و... که همگی دستور شرعی است، قطعاً توسط عقل سلیم نیز تأیید می‌گردد. عقل تجاوز به حریم خصوصی اشخاص را قبیح می‌داند. به استناد قاعده **ملازمه** هر آنچه عقل قبیح می‌داند شرع نیز آن را قبیح و حرام می‌شمارد. وقتی از عقل بعنوان یک عامل بازدارنده یاد می‌کنیم، می‌توان به این نتیجه رسید که این جنبه حیات بشری تا چه اندازه در راستای تعلیم و تربیت صحیح اسلامی می‌تواند تاثیرگذار باشد به گونه‌ای که عدم استفاده از آن زائیده دور شدن از مسیر الهی و گرفتاری در گرداب حوادث است که این امر در باب تربیت جنسی بیشترین نمود را دارد. از امام علی (ع) نقل است که فرموده‌اند: «**عقل، سپهسالار لشکر خدای رحمان است و هوی راهبر لشکر شیطان و انسان کشیده شونده میان آن دو. پس هر یک از این دو چیره شود، انسان در جایگاه او قرار خواهد گرفت.**» (شهید ثانی، ۱۴۰۹، ص ۱۹۸) امروزه بسیاری از جوانان بدنبال دلیل عقلی جهت پذیرش احکام الهی و الزامات فقهی افعال انسان هستند. لذا در کنار مطرح کردن آموزه‌های شرعی در باب تربیت جنسی و اعلام هنجار و نظر عرف، از نیروی عقل بهترین استفاده را می‌توان برد و می‌توان از طریق و به کمک عقل، پاسخ متقنی برای بایدها و نبایدهای شرعی درباره کنترل میل جنسی و تعدیل آن ارائه نمود.

یکی از عللی که باعث می‌شود فرزندان وقتی که بزرگ شوند به اعمال منافی عفت روی آورند، دیدن پدر و مادر در حال مجامعت است. دیدن این مناظر سرچشمه انحرافات اخلاقی و حتی بسیاری از بیماری‌های روانی را فراهم می‌کند. بنابراین کودکان با اینکه در ظاهر چیزی از مسائل زناشویی نمی‌فهمند، ولی در واقع این تصاویر در ذهن آن‌ها نقش می‌بندد، دیر یا زود برای آن‌ها مشکل ایجاد می‌کند. به همین خاطر عقل متذکر می‌شود که بچه‌ها را عادت دهند در ساعاتی که معمولاً وقت خلوت کردن زن و مرد است، هنگام دخول اجازه بگیرند تا منظره‌ای را که باعث تحریک آن‌ها می‌گردد، مشاهده نکنند و خللی در پرورش آن‌ها به وجود نیاید.

۹- درباره سند ۲۰۳۰

سند ۲۰۳۰ یونسکو یا «بیانیه آموزش فراگیر و برابر» مجموعه‌ای از اهداف است که به آینده مربوط می‌شوند. روسای دولت‌ها، نمایندگان بلند پایه نهادهای تخصصی سازمان ملل و جامعه مدنی

در سپتامبر ۲۰۱۵ دستور کار توسعه پایا یا همان دگرگون ساختن جهان را تصویب کردند. این دستورکار، شامل هفده هدف اصلی و ۱۶۹ هدف ویژه است که نقشه راه جامعه بین‌المللی را در زمینه توسعه پایا برای ۱۵ سال آینده ترسیم می‌کند. براساس اهداف اعلام شده توسط سازمان ملل، از سال ۲۰۱۵ تا ۲۰۳۰، همه کشورهای عضو سازمان ملل باید تلاش کنند تا به اهداف و شاخص‌های توسعه پایدار با همکاری و تعامل با یکدیگر دست یابند. این دستور کار مقدمه‌ای دارد مبنی بر این که رهبران و مردم جهان برآن هستند که تا سال ۲۰۳۰ به فقر، گرسنگی، خشونت، فساد، قاچاق و... پایان دهند و به سوی کرامت انسانی و حقوق بشر، عدالت اجتماعی، صلح، رفاه، مدیریت پایدار منابع طبیعی، گسترش بهداشت، تامین آب آشامیدنی، محترم شمردن تنوع قومی، فرهنگی و زبانی، توسعه آموزش‌های عمومی، فنی و حرفه‌ای، اشتغال‌زایی و توانمندسازی زنان و دختران، نظایر آن‌ها حرکت کنند.

برنامه آموزش سند ۲۰۳۰ نیز برنامه توسعه جامعه‌نگر و چند مولفه‌ای است. این برنامه به مراتب دامنه‌ای گسترده‌تر و تکالیفی وسیع‌تر برای آموزش برای همه دارد. به عبارت دیگر، برنامه آموزش ۲۰۳۰، برنامه‌ای فراملی و نسخه‌ای واحد جهانی برای تحقق آرمان چهارم از مجموعه آرمان‌های اهداف توسعه پایدار یونسکو می‌باشد؛ توسعه‌ای شامل کلیت نظام آموزشی در تمامی سطوح آموزش، برای دستیابی به جامعه یادگیرنده و شامل «تضمین آموزش با کیفیت، برابر و فراگیر و ترویج فرصت‌های یادگیری مادام‌العمر برای همه» است.

۱۰- خلاصه اهداف هفده‌گانه سند

۱. پایان دادن به فقر در همه اشکال آن و در همه جا
۲. پایان دادن به گرسنگی، تحقق امنیت غذایی و تغذیه بهتر و توسعه کشاورزی پایدار
۳. تضمین یک زندگی توأم با سلامت و ترویج رفاه برای همه و در تمامی سنین
۴. تضمین آموزش با کیفیت، برابر و فراگیر و ترویج فرصت‌های یادگیری مادام‌العمر برای همه
۵. دستیابی به تساوی جنسیتی و توانمندسازی همه زنان و دختران
۶. تضمین دسترسی به آب و مدیریت پایدار آب و بهداشت برای همه

۷. تضمین دسترسی به منابع انرژی مقرون به صرفه، مطمئن، پایدار و نوین
۸. ترویج رشد اقتصادی ماندگار، فراگیر و پایدار، اشتغال کامل و بهره‌ور و اشتغال شرافتمدانه برای همه
۹. ساختن زیر بنای مقاومتی، ترویج صنعتی سازی پایدار و فراگیر، ترویج نوآوری
۱۰. کاهش نابرابری در درون و در میان کشورها
۱۱. تبدیل شهرها و سکونت‌گاه‌های انسانی به مکان‌های همه شمول، امن، مقاوم و پایدار
۱۲. تضمین الگوهای پایدار تولید و مصرف
۱۳. اقدام عاجل برای رویارویی با تغییر اقلیم و آثار آن
۱۴. حفاظت و استفاده پایدار از اقیانوس‌ها، دریاها و منابع دریایی برای توسعه پایدار
۱۵. پاسداشت و ترویج استفاده پایدار از بوم‌سازگان‌های زمینی، مدیریت پایدار جنگل‌ها، مبارزه با بیابان‌زایی
۱۶. ترویج جوامع صلح‌جو برای توسعه پایدار، برقراری امکان دسترسی به عدالت برای همه
۱۷. تقویت ابزار اجرا و احیای همکاری‌های جهانی برای تحقق توسعه پایدار

۱۱- مغایرت سند ملی مصوّب با قانون اساسی و ارزش‌های اسلامی

راهبردهای جهانی مغایر با ارزش‌های ملی کشور که عیناً در سند ملی جمهوری اسلامی ایران منعکس گردیده را می‌توان به چند دسته تقسیم نمود:

الف) تربیت شهروند جهانی: درحالی‌که مقدمه قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران رسالت خود را ایجاد شرایطی می‌داند که در آن «انسان با ارزش‌های والا و جهانشمول اسلامی» پرورش یابد، یکی از راهبردهای این سند «ایجاد و نشر اقدام‌های بهینه در زمینه آموزش برای توسعه

پایدار و آموزش شهروندی جهانی در درون و مابین کشورها» (بند ۳ راهبردهای اساسی: ص ۷۷) است. شهروندانی که مطیع ارزش‌های جهانی شده‌اند و نه ارزش‌های اسلامی.

ب) بی‌توجهی به زبان فارسی: درحالی‌که اصل ۱۵ قانون اساسی مقرر داشته که کتب درسی باید با زبان و خط فارسی باشد و استفاده از زبان‌های محلی و قومی در مطبوعات و رسانه‌های گروهی و تدریس ادبیات آن‌ها در مدارس را «صرفاً» در کنار زبان فارسی آزاد می‌داند لکن بر اساس بند ۱ - ۴ - ۵ سند ملی، «آغاز آموزش در مدارس» باید به زبان اول کودک یا زبانی باشد که وی در منزل با آن تکلم می‌کند.

ج) پذیرش و آموزش انحرافات جنسی در مدارس: همان‌گونه که در سند ملی تصریح شده است: اجرای هدف چهارم توسعه پایدار ۲۰۳۰ با عنوان «به سوی آموزش و یادگیری مادام‌العمر با کیفیت، برابر و فراگیر برای همه» برعهده سازمان یونسکو قرار گرفته تا اجرای این هدف مهم پس از تصویب نهائی چارچوب عمل جهانی آموزش ۲۰۳۰ را تحقق بخشد و از سوی دیگر «کمیسیون ملی یونسکو ایران نهاد متولی اجرای آن در ایران است.» هدف چهارم توسعه پایدار فی نفسه و در ظاهر هیچ اشکال ماهوی نداشته و اصولاً ارتباطی با مسائل جنسی ندارد اما با بررسی تفاسیر یونسکو از این هدف، مشخص می‌شود آن‌چه را دولت زیر بار انتقاد نمی‌رود، کاملاً با واقعیت منطبق است: در سایت سازمان یونسکو و ذیل عنوان **Homophobic and Transphobic Violence in Education** آمده است: یونسکو بر این عقیده است که هیچ کشوری نمی‌تواند هدف شماره‌ی ۴ سند ۲۰۳۰ را تحقق بخشد اگر دانش‌آموزان آن کشور به علت تمایل جنسیشان و یا حدس دیگران در مورد تمایل جنسی آن دانش‌آموزان و همچنین هویت جنسی که دانش‌آموز برای خود در نظر گرفته (از جمله همجنس‌بازی)، در معرض خشونت قرار بگیرند. در ادامه تصریح می‌نماید که خشونت اغلب بر پسران و دختران هم‌جنس‌گرا و... اعمال می‌شود، سپس به فعالیت‌های گسترده حمایتی یونسکو در کشورهایمانند چین و روسیه در زمینه آموزش همجنس‌بازان اشاره شده است. همچنین بخشی از سند ملی را آرمان‌های ۴-۱ تا ۴-۷ تشکیل می‌دهد که همگی عیناً از سند اصلی یونسکو اتخاذ شده-

اندا^۱ لذا وقتی در بند ۲۸ شاخص‌های موضوعی به «آموزش مهارت‌های اساسی زندگی مبتنی بر HIV و مسائل جنسیتی» (ص ۷۵) اشاره نموده است، بدیهی است که ذهن خواننده به سمت آموزش-هایی خواهد رفت که امروزه با پشتیبانی اسناد بین‌المللی و حقوق بشری در مدارس غربی عرف شده است؛ جایی که در عوض منع روابط جنسی نامشروع، به بهانه جلوگیری از بیماری HIV به آموزش روابط جنسی بهداشتی! به نوجوانان پرداخته یا به بهانه پاسخ به پرسش کودکان در مورد نحوه تولد و ... به کودکان ۴ ساله و بالاتر چیزهایی می‌آموزند که موجب بلوغ زودرس و گرایش آنان به سمت تجارب جنسی غیر مشروع می‌گردد و یا هم‌جنس‌گرایی را جزء حقوق بشر می‌دانند.

۱۲- تعارض اصلی (تحریر محل نزاع)

با توجه به آنچه با مذاقه و موشکافی بیان شد باید اذعان کرد که تعارض اصلی از یک طرف به اینکه نظام آموزشی ما بر اساس سند تحول بنیادین که مبین آداب سبک زندگی اسلامی ایرانی است و تاکید بر تربیت اخلاقی دارد و بر اساس اسناد بالا دستی و بر اساس فرهنگ ایرانی اسلامی تنظیم شده است و نیازی به این دست اسناد تهیه شده از سوی غرب ندارد بر می‌گردد و از دیگر سو به بعضی الفاظ و دستورات در برخی اهداف از جمله هدف پنجم و تعاریفی که در آن و اسناد پشت دستی و توضیحاتی که از سوی تهیه کنندگان سند داده شده بر می‌گردد که کاملاً با فرهنگ ایرانی ما که برگرفته از فقه متین شیعه و بر اساس کلام وحی و سیره معصومین (ع) است در تضاد است و این قسمت از سند، مورد بحث ما بوده و قرار است از جهت تطبیقی و از جهت اعلام خطرات و نیات مدوئین و افتراقات موجود در آن در قیاس با فرهنگ ما بدان پرداخته شود.

۱۳- مفاهیم جنسی در سند و اشکالات مطرح شده

مهم‌ترین مفاهیم آموزش جنسی در سند ۲۰۳۰ شامل آموزش‌های جامع جنسی، برابری جنسیتی، رفع کلیه اشکال تبعیض مرتبط با جنسیت و رفع کامل شکاف جنسیتی در آموزش عالی است. یعنی تاکید بر آموزش جنسی است نه تربیت جنسی. درحالی‌که تربیت جنسی فراتر از آموزش جنسی است زیرا به بحث‌های شخصیتی، اسلامی و اجتماعی مربوط می‌شود و در سند، فرد در دامنه

^۱ - درسند ملی از شاخص ملی نیز نام برده شده اما نقش آن تنها تحلیل وضع موجود و نظارت و ارزیابی میزان تحقق اهداف و شناسایی نقاط انحراف از برنامه (ص ۶۶) است و نه تفسیر بومی شاخص‌های جهانی یا موضوعی.

تنگ احساس جنسی گرفتار شده است. دولت‌ها موظفند سازوکاری تهیه کنند تا نظام‌های آموزشی هر کشور برای حذف تعصب مبتنی بر جنسیت و تبعیض ناشی از سوگیری‌های فرهنگی و اجتماعی تلاش کنند (کمیسیون ملی یونسکو-ایران، بی تا، ص ۳۶).

۱۴- تفاوت تربیت جنسی و آموزش جنسی (بررسی تطبیقی سند)

باید گفت ساحت تربیت جنسی، مستلزم توانایی فوق‌العاده، نزاکت، تیزهوشی و دلسوزی همگانی است. تعریفی که ما از تربیت جنسی داریم فراتر از آموزش جنسی است. چرا که ما سند تربیت جنسی داریم که از سنین پایین آغاز می‌شود و در سنین بالاتر و در زمان درست آن، به آموزش جنسی نیز از مسیر صواب آن پرداخته می‌شود. این که گفته می‌شود در سنین پایین، تربیت وجود دارد نه آموزش به این دلیل است که آموزش در این سنین به حکم دین و عقل ضرورتی ندارد؛ بلکه آموزش‌ها در این حوزه باید متمرکز بر والدین و نحوه رفتار درست با فرزندان باشد تا نحوه برخورد صحیح با کودکان خود در این سنین را بدانند و این برخلاف بسیاری از جوامع است که آموزش جنسی را از سنین کودکی آغاز می‌کنند و آثار مخرب آن را همینک به نظاره نشسته‌اند. در این باره می‌توان به آماری که از یک تحقیق میدانی در دانشگاه هاروارد در سال ۲۰۱۵ صورت گرفته توجه کرد. در این پژوهش با جامعه آماری ۱۵۰ هزار دانشجو مطابق با نتایج حاصله، ۷۲ درصد از دانشجویان در زمان حضورشان در دانشگاه مورد آزار جنسی قرار گرفته‌اند که ۸۰ درصد آنان این آزارها را اعلام نکرده‌اند. (جدیدی، ۱۳۹۶) این همان خطری هست که پیامد آموزش جنسی در سنین پایین است و این البته به این معنا نیست که در جامعه ایرانی اسلامی ما مشکلاتی از این دست وجود ندارد و هراز گاهی آمارهایی در این زمینه منتشر می‌شود که هشدار لازم را جهت ایجاد ساز و کارهای جدید و راهکارهای نوین در زمینه تربیت جنسی به ما می‌دهد. درست است که بحث آموزش جنسی را در سند رد می‌کنیم اما باید به تربیت جنسی متناسب با نسل امروز و خطراتی که موجود است دقت بیشتری کنیم. چرا که تربیت جنسی تعدیل رفتار است و چیزی بهتر از میانه‌روی و مراقبت نیست که در تربیت جنسی بر پایه شرع، علاوه بر تاکید بر خویشتن بانی، آموزش یعنی تربیت درست و پرورش میل جنسی مطرح است نه آموزش از نوع غربی سند و ذکر و نمایش آنچه نباید دیده و ذکر شود زیرا هر چیزی زمانی دارد و باید صبر کرد تا زمان آن فرا برسد. پس تربیت درست جنسی اگر درست انجام گیرد، می‌تواند باعث زیبایی

دوستی و هنر عشق ورزیدن باشد و موجب محبت و ایثار شود و اگر عکس آن رخ دهد می‌تواند باعث انحراف گردد. لذا آموزش جنسی یعنی تربیت جنسی بر اساس اصول عقلی، روان‌شناسی با استفاده از آموزه‌های دینی و استفاده از عرف و فرهنگ درست و غنی و در زمان مناسب. بنابراین بین ارزش‌های بنیادین سند ۲۰۳۰ با نظام معرفتی اسلامی بویژه در تربیت جنسی تباین وجود دارد.

نکته مهم دیگر این است که در غرب، تجهیز کودکان با دانش‌ها و مهارت‌هایی که قادر شوند در برابر بیماری‌هایی مانند اچ آی وی، واکسینه شوند، هدف آموزش غرب است. پس آموزش جنسی مطرح شده در سند به معنای تربیت جنسی نیست بلکه به معنای آموزش جنسی است. اما اگر الگوی توسعه را از یک الگوی غربی به الگوی اسلامی تبدیل کنیم و از گفتمان بومی ایرانی بهره ببریم، تربیت جنسی درست را تحقق بخشیده‌ایم. بنابراین می‌توانیم در جهت عکس سند، آموزش جنسی متناسب با الگوهای مان داشته باشیم. زیرا تلقی فقهی ما با فحواى سند متفاوت است. فقه ما اصل بر غریزه جنسی دارد اما از نوع تعدیل شده (فقیه‌ی، ۱۳۹۳، ص ۸۹).

۱۵- خشونت علیه زنان و اقسار آسیب‌پذیر (دگرباش‌ها) و تساوی جنسیتی

از دیدگاه مدوتین سند، اشکال مختلفی که درباره تبعیض و خشونت علیه زنان مطرح شده در سایه مشارکت و همکاری مردان و پسران ریشه‌کن خواهد شد. ضمناً در این سند حمایت ویژه‌ای از LGBTها شده است. به ظاهر در سند از هیچ جمله‌ای در زمینه همجنس‌بازی سخن به میان نیامده اما وقتی دقیق می‌شویم و با ورود به اسناد پشت دستی خشونت عمدتاً بر علیه LGBTها تعریف شده است. می‌بینیم که آموزش تمامی گروه‌هایی که طرد شده‌اند باید به رسمیت شناخته شود. در زمینه خشونت علیه زنان طرح کنندگان سند به کلیاتی رسیده‌اند که این خشونت‌ها علیه زنان، امری جهانی است؛ لذا بانوان باید مورد حمایت قرار گیرند. در بحث دوم و راجع به LGBTها باید اذعان کرد که در حقیقت در این سند صحبتی از افراد آسیب‌پذیر به میان نمی‌آید وقتی به اسناد پشتیبان مراجعه می‌کنیم صحبت از LGBT یا همان دگرباش‌ها و هموسکشوال‌ها به عنوان قشر آسیب‌پذیر می‌شود و گویی به جای اصلاح و درمان و مشاوره صرفاً صحبت از به رسمیت شناختن است و به نوعی عدم به رسمیت شناختن این گروه مساوی است با تبعیض.

۱۶- چالش الفاظ و تعاریف در سند

نکته‌ای که از نظر بسیاری مورد توجه جدی قرار نگرفته این است که در برگردان فارسی برخی

کلمات اشتباه رخ داده است. مثلاً از عبارت «آموزش‌های جامع جنسی» به «تنظیم خانواده» تعبیر شده است. در بند ۲۶ مقدمه سند آمده که «ما متعهد می‌شویم تا دسترسی جهانی به خدمات مراقبت‌های بهداشتی در امور جنسی و باروری را به ویژه با هدف تنظیم خانواده، اطلاع‌رسانی و آموزش را برای همه تضمین کنیم.» موضوع مورد مناقشه دیگر این است که واژه‌هایی مانند «تساوی یا برابری جنسیتی» تعریف دقیقی نشده اند. لذا هر کس می‌تواند از منظر خود بحث کرده و به نتیجه برسد. ضمناً تحقق اهداف آموزشی را منوط به برابری جنسیتی می‌داند در حالی که حتی تعریف جامعی از آن نشده است. واژه «برابری» که در سند آمده رفع کلیه اشکال تبعیض را مطرح کرده درحالی که در اسلام، عدالت جنسیتی به جای برابری مطرح است و آن‌هم به دلیل ساختار آفرینش آن‌ها است. اول باید توجه داشت بین جنس و جنسیت فرق است، جنس امری فیزیولوژیک است، اما جنسیت پدیده‌ای تاریخی، فرهنگی و نظری است و مربوط به وظایفی است که برای زنان و مردان در نظر گرفته می‌شود. برابری جنسیتی اگر به این معنا باشد که زنان و مردان در برابر قانون یکسان هستند، هر چند که قانون با توجه به نقش‌های متفاوتی که برای زنان و مردان در نظر می‌گیرد یکسان نیست، حرف درستی است.

۱۷ - نتایج و یافته‌های تحقیق

با توجه به آن‌چه در این پژوهش در باب اهمیت پرداختن به مقوله تربیت جنسی بر پایه بایدها و نبایدهای شرعی آمد، نتایج و موارد زیر بسیار حائز اهمیت می‌نماید:

۱ - تربیت جنسی از خطیرترین مقوله‌های تربیتی است که مویدات فراوان قرآنی، روایی و عقلی را با خود، یدک می‌کشد.

۲ - در آموزه‌های شرعی و به حکم عقل و تجربه، تاکید بر تربیت جنسی است نه آموزش جنسی. زیرا آموزش جنسی اثرات مخرب فراوانی دارد.

۳ - متأسفانه مردم جهان، بیشتر از قبل، سرگرم امور دنیوی شده‌اند. در این بین یکی از مواردی که قویاً توسط مراکز قدرت و فساد دنبال می‌شود بحث آزادی‌های جنسی و طبیعی جلوه دادن روابط نامشروع میان جنس مخالف و اخیراً در میان جنس موافق هست که به نوعی هدف آفرینش را نشانه گرفته و انسان را به امور حسی مشغول نموده تا آن‌ها بدین طریق بتوانند اهداف شوم خود را پیاده کرده و به آن‌چه می‌خواهند دست یابند.

۴ - اهمیت پرداختن به تربیت جنسی به جای آموزش جنسی و همچنین تعدیل میل جنسی و هدایت درست جوانان از سنین پایین بر پایه آموزه‌های دینی و در مواجهه با برخی سیاست‌گذاری‌های جهانی از جمله بحث سند ۲۰۳۰ نمود یافت که در این پژوهش راه کارهای مختلف شرعی و عقلی و انسانی در برابر چنین برنامه‌ها و اسنادی و با توجه به افکار و عقاید نسل جدید به نمایش درآمد و هشدارهای لازم نیز بیان گردید و امتیازات فراوان آن مانند تعارضات مقوله حیا و دگرپاشی و اشتراکات اقلی آن نمود یافت.

فهرست منابع

منابع فارسی

۱. اعرافی، علی رضا (۱۳۸۸). *فقه تربیتی (تعلیم)*. تهران: نشر حوزه و دانشگاه.
۲. اعرافی، علی رضا (۱۳۸۸). *فقه تربیتی*. تهران: نشر گیسوم
۳. امینی، ابراهیم (۱۳۸۵). *اسلام و تعلیم و تربیت*. تهران: نشر انجمن اولیا و مربیان.
۴. برازش، علی رضا (۱۳۹۴). *تفسیر اهل البیت (ع)*. تهران: نشر امیر کبیر.
۵. ثابت، حافظ (۱۳۸۷). *تربیت جنسی در اسلام*. تهران: نشر موسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی (ره).
۶. حاجی ده‌آبادی، محمد علی (۱۳۹۷). *درآمدی بر نظام تربیتی اسلام*. قم: نشر مرکز بین المللی ترجمه و نشر المصطفی.
۷. حجتی، سید محمد (۱۳۸۵). *تعلیم و تربیت اسلامی*. تهران: انتشارات دفتر فرهنگ اسلامی.
۸. داودی، محمد (۱۳۸۸). *تربیت اخلاقی*. قم: نشر پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
۹. دورکیم، امیل (۱۳۷۶). *تربیت و جامعه شناسی*. ترجمه محمد علی کاردان. تهران: نشر دانشگاه تهران.
۱۰. دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۷). *لغت نامه*. تهران: نشر دانشگاه تهران.

۱۱. دفریتاس، کریستال (۱۳۹۸). *کلیدهای آموزش و مراقبت از سلامت جنسی در کودکان*. تهران: نشر صابرین.
۱۲. سند ۲۰۳۰.
۱۳. شکوهی، غلامحسین (۱۳۸۹). *مبانی و اصول آموزش و پرورش*. تهران: نشر به نشر.
۱۴. صانعی، مهدی (۱۳۸۰). *پژوهشی در تعلیم و تربیت اسلامی*. تهران: نشر سناباد.
۱۵. فقیهی، علی (۱۳۹۳). *تربیت جنسی: مبانی، اصول و روش ها از منظر قرآن و حدیث*. قم: نشر دارالحدیث.
۱۶. قرائتی، محسن (۱۳۷۴). *تفسیر نور*. تهران: نشر موسسه دارالحق.
۱۷. قطب، محمد (۱۳۸۹). *روش تربیتی اسلام و کاربرد عملی آن*، ترجمه‌ی محمود ابراهیمی. سنندج: نشر آراس.
۱۸. مطهری (ره)، مرتضی (۱۳۷۳). *تعلیم و تربیت در اسلام*. تهران: نشر صدرا.
۱۹. ملکی، حسن (۱۳۷۷). *مبانی و اصول تربیت*. تهران: نشر آبیژ.
۲۰. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۵۳). *تفسیر نمونه*. تهران: نشر دارالکتب الاسلامیه.
۲۱. میلازه، گاستون (۱۳۷۵). *معنی و حدود علوم تربیتی*، ترجمه محمد علی کاردان. تهران: نشر دانشگاه تهران.

منابع عربی

قرآن کریم.

نهج البلاغه، سید رضی (۱۳۷۶). ترجمه سید جعفر شهیدی. تهران: نشر علمی فرهنگی.

۱. ابن بابویه، محمد بن علی (۱۳۶۳). *من لا یحضره الفقیه*. قم: نشر جامعه مدرسین حوزه علمیه.

۲. ابن منظور، ابوالفضل (۱۴۰۵ ق). *لسان العرب*. بیروت: نشر دار صادر.

۳. بخاری الجعفی، محمد (بی تا). صحیح بخاری. بیروت: نشر دار الفکر.
۴. بجنوردی، سید حسن (۱۳۷۷). القواعد الفقہیہ، قم: نشر الہادی.
۵. جزیری، عبدالرحمن (۱۴۱۹). الفقه علی المذاهب الاربعه و مذهب اهل بیت (ع). بیروت: نشر دارالتقلین.
۶. حاکم نیشابوری، ابوعبدالله (بی تا). المستدرک علی الصحیحین. بیروت.
۷. حلّی (علامه حلّی)، حسن بن یوسف (۱۳۸۲). مختلف الشیعہ فی احکام الشریعہ. قم: نشر بوستان کتاب.
۸. حلّی (محقق)، جعفر بن حسن (۱۴۰۸ ق). شرائع الاسلام فی مسائل الحلال و الحرام. قم: نشر موسسه اسماعیلیان.
۹. دارقطنی، علی بن عمر (بی تا). السنن. بیروت: نشر دارالفکر.
۱۰. زکریاء، احمد (۱۴۰۴). معجم مقاییس اللغه. قم: نشر مکتب الاعلام الاسلامی.
۱۱. طباطبایی حائری (صاحب ریاض)، سید علی (۱۴۱۸ ق). ریاض المسائل فی تحقیق الاحکام بالدلائل. قم: نشر آل البیت.
۱۲. طباطبایی، سید محمد حسین (۱۳۷۰). المیزان. تهران: نشر رجا.
۱۳. طباطبایی، سید محمد حسین (). سنن النبّی، ترجمه و تحقیق محمد هادی فقہی. تهران: نشر السلامیہ.
۱۴. طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۸۳). تفسیر مجمع البیان. تهران: نشر ناصر خسرو.
۱۵. طوسی، ابوعلی (۱۳۶۶). الخلاف. قم: نشر جامعہ ی مدرسین حوزه علمیه.
۱۶. طوسی، ابوعلی (۱۴۱۲ ق). الاستبصار فیما اختلف من الاخبار. قم: نشر دایرة المعارف.
۱۷. عاملی، محمد بن حسن (حرّ عاملی) (۱۴۰۳ ق). وسائل الشیعہ. تهران: نشر الاسلامیہ.

۱۸. عاملی (شهید ثانی)، ز، ۱۴۰۹ق، منیه المرید فی ادب المفید و المستفید، ترجمه محمد باقر ساعدی خراسانی، انتشارات مکتب الاعلام الاسلامی، قم، چاپ چهارم.
۱۹. عاملی (شهید ثانی)، زین الدین (۱۴۱۳ ق). مسالک الافهام الی تنقیح شرائع الاسلام، قم: نشر معارف اسلامیه.
۲۰. آمدی، س.ع، غرر الحکم.
۲۱. فیض کاشانی، محسن (۱۴۳۰ق). الوافی. اصفهان: نشر عطر عترت.
۲۲. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۹۱). الاصول من الکافی (الکافی) تصحیح شیخ نجم الدین آملی. تهران: نشر المکتبه الاسلامیه.
۲۳. مجلسی، محمد (۱۴۰۳). بحار الانوار. بیروت: نشر موسسه الوفاء.
۲۴. محدث قمی، شیخ عباس (۱۳۷۶). نفته المصدور، ترجمه محمد باقر کمره‌ای. تهران: نشر کتابچی.
۲۵. محمدی ری شهری، محمد (۱۴۲۷ق). میزان الحکمه. قم: نشر موسسه علمی فرهنگی دارالحديث.
۲۶. معلوف، لوییس (۱۳۸۴). المنجد للطلاب، ترجمه محمد بندر ریگی. تهران: نشر ایران، تهران.
۲۷. موسوی خمینی(ره)، روح الله (۱۳۷۸). کشف الاسرار. تهران: نشر موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی(ره).
۲۸. ناصح علوان، عبدالله (۱۴۱۲ق). تربیه الاولاد فی الاسلام. بیروت: نشر دار السلام.
۲۹. نجفی، محمد حسن (۱۴۱۳ق). جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام. بیروت: نشر دار احیاء التراث العربی.
۳۰. نوری (محدث نوری)، میرزا حسین (۱۴۰۸ق). مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل. قم: نشر آل البيت (ع) لاحیاء التراث.

مقالات

۱. اعرافی، علی، مهری رمی، تقی (۱۳۹۴). نقش رعایت توان متربی در تربیت عبادی از منظر فقهی. *مجله مطالعات فقه تربیتی*. شماره ۲۴
۲. اعرافی، علی، موسوی، سید نقی (۱۳۹۲). نماز آموزی به فرزندان در فقه تربیتی اسلام. *مجله پژوهش در مسائل تعلیم و تربیت اسلامی*. شماره ۱۹
۳. جدیدی، حامد (۱۳۸۹). بررسی و تحلیل سند ۲۰۳۰. *تارنمای راسخون*.
۴. رفیعی، بهروز (۱۳۸۷). تربیت جنسی در اسلام. *فصلنامه تربیت اسلامی*. شماره ۸
۵. سجادی، سید مهدی (۱۳۷۹). رویکردها و روش‌های تربیت اخلاقی و ارزشی، بازنگری و نوع‌شناسی. *مجله پژوهش‌های علوم انسانی*. شماره ۳
۶. فهیمی، محمد ظاهر (۱۳۷۸). روش‌های عادت‌ی دینی از منظر آموزه‌های اسلامی. *موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)*، مجموعه مقالات همایش تربیت دینی، قم
۷. ملکی، حسن (۱۳۹۰). تربیت عبادی کودکان، *نشریه اسلام و پژوهش‌های تربیتی*، سال سوم، شماره ۱
۸. یوسف‌پور، احمد و همکاران (۱۳۹۶). تحلیلی بر سند ۲۰۳۰ یونسکو، دومین کنگره بین‌المللی علوم انسانی، *مطالعات فرهنگی*.